

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی تاثیر ساخت داخل نیروگاهی در تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی در صنایع نیروگاهی

علیمراد نوروزی

معاونت منابع انسانی و تحقیقات شرکت تولید برق جنوب فارس

مهرداد زارعی

مدیر دفتر آموزش و تحقیقات شرکت تولید برق جنوب فارس

پویا مصطفی ادیبی

کارشناس دفتر آموزش و تحقیقات شرکت تولید برق جنوب فارس

چکیده:

" فاستقم كما امرت و من تاب معك و لا تطغوا انه بما تعملون بصير " پس همان گونه که فرمان یافته ای آ استقامت کن و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده اند (باید استقامت کنن) و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می دهید می بیند. (سوره مبارکه هود آیه ۱۱۲)

امروزه کشور عزیزمان، جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون چه در عرصه‌ی نظر و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه‌ی عمل و تجارب بمشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. که نیازمند نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است، که در سالهای اخیر سیاست های آن با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری تبیین و مشخص گردیده شده است.

که در راستای تحقق و اجرای آن بایستی کلیه بخش ها و سیستم های صنعتی ، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور فعالیت و اهتمام داشته باشند ، یکی از صنایع مهم و اساسی کشور در زمینه فعالیت های صنعتی و اقتصادی ، صنایع نیروگاهی در جهت تولید برق می باشد، چرا که صنعت برق یکی از اساسی ترین و زیربنایی ترین صنایع کشور می باشد که باعث ایجاد مزیت رقابتی در سطح منطقه ای و بین المللی می گردد ،

این مقاله به دنبال بررسی ساخت قطعات مورد نیاز نیروگاهی، به صورت داخلی و دست های توانمند متخصصان داخلی و تاثیر آن در جهت تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی ، با توجه به فرمایشات و خط مشی مشخص شده از سوی مقام معظم رهبری دارد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی ، ساخت داخل نیروگاهی

اقتصاد مقاومتی، دارای ویژگیهای خاصی است که در شرایط کنونی جهت رویارویی با دشمنان نظام و شرایط استراتژیک کشور قابل طرح است.

" اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آنها و در شرایط آرمانی تلاش برای تبدیل این فشارها به فرصت است. اقتصاد مقاومتی در راستای کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزبتهای تولید داخل و تلاش بر خوداتکایی است.

در ادبیات علمی، مفهوم اقتصاد مقاومتی، تاکنون به کار گرفته نشده اما میتوان آن را از فرمایشات مقام معظم رهبری و دیدگاههای کارشناسان اقتصادی که به تازگی مطرح کردهاند، استخراج کرد. اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایهگذاری برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر -بخصوص کشورهای متخاصم - در شرایط بحرانی میپردازد؛ به گونهای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آنها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکاء به داخل به تولید انبوه محصول مورد نظر بپردازد. تامین کالاها و مایحتاج اساسی مردم در جهت مقاومت در مقابل دشمنانی که سعی دارند بسیاری از کالاهای مورد نیاز آن کشور را تحریم نمایند. در این زمینه، مقام معظم رهبری، به واقعیتهایی اشاره دارند که راهگشاست که مسئولین کشور، در افق بلندمدت میبایست در برنامه ریزی اقتصادی آنها را لحاظ کنند که میتوان به

" مردمی کردن اقتصاد"، " توجه به سیاست های کلی اصل ۴۴ " که در گذشته مطرح نمودند و " توانمندسازی بخش خصوصی "، " تشویق فعالیت بنگاههای اقتصادی "، " نوانمندسازی و توجه به ساخت داخل" و دستگاههای دولتی اشاره دارند که می بایست با کمک قوه ی مقننه و قوه قضاییه همراه باشد. همچنینی از نظر ایشان، کاهش " وابستگی به صنعت نفت "، " توجه به صنایع دانش بنیان " و " ظرفیت های گوناگون دیگر " در کشور بخش اساسی اقتصاد مقاومتی است که طرح فرمودند و مسائل دیگر از قبیل " مدیریت مصرف - هم در دستگاههای دولتی، هم دستگاههای غیر دولتی " بر رشد اقتصاد مقاومتی موثر است. اقتصاد مقاومتی یکنوع الگوی اقتصادی است که به استقلال اقتصادی یک کشور توجه دارد. بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جها نبینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا میکند. مطالعات نظری و تجربی نشان می دهد که سرمایه، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. افزایش حجم سرمایه، هم به طور مستقیم به صورت یکی از عوامل تولید و هم از طریق افزایش بهره وری دیگر عوامل، سبب بالا رفتن اشتغال، تولید و رفاه جامعه می شود. این در حالی است که در هر کشوری، گروه ی از مردم و مؤ سسه ها وجود دارند که از یک طرف، منابع مالی مازاد دارند و از طرف دیگر به عللی چون نبود علاقه، وقت، تجرب ه و ترس از مخاطره ها، به سرمایه گذاری مستقیم اقدام نمی کنند و یا سرمایه شان در حد لازم نیست. در نقطه مقابل، گروهی از فعالان اقتصادی و صاحبان دانش و تجربه هستند که برای فعالیت اقتصادی به منابع مالی نیاز دارند.

"اقتصاد مقاومتی" اصطلاحی است که این روزها نقل محافل خبری و اقتصادی کشور شده و بسیاری آن را راهکار مناسبی برای این روزهای اقتصاد کشور و شرایط تحریم های بی سابقه ای که به کشورمان تحمیل شده می دانند. در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم های یک جانبه وغیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه های صلح آمیز هسته ای ایران، واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد

بحث قرار گرفته است.

این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، مقام معظم رهبری « اقتصاد مقاومتی » را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل « فشار اقتصادی دشمنان » و « آمادگی کشور برای جهش » را معرفی نمودند.

برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه ای به این موضوع نگاه کرده اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده ی رشد و شکوفایی کشور باشد».

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشته و به مبارزه با استکبار پرداخت. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد.

با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که خصوصاً در سال های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، عرصه اقتصادی است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگو سازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبار ستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی است.

بر اساس تئوری های اقتصادی که تاکنون در قالب مکرانتلیسم، اقتصاد آزاد، اقتصاد کینزی، اقتصاد مارکسیستی مطرح گردیده در شرایط جدید اقتصاد ایران که با مشکلات زیرساختی، فراساختی، زیرساختهای مناسب و تحریم ها مواجه شده، مقوله اقتصاد مقاومتی را وارد اقتصاد سیاسی کرده است.

این تفکر اقتصادی بر اساس شرایط ایجاد شده زمانی به دنبال آن است که از به هدر رفتن منافع و افزایش بهره وری را به عنوان ابزارهای اقتصاد مقاومتی وارد ادبیات اقتصادی نماید. نظریه اقتصاد مقاومتی بر اساس راهبردی رهبری انقلاب برای برون رفت از بزرگترین پیچ تاریخی است. اقتصاد مقاومتی دو پیام اساسی برای مکانیسم تولید دارد به طوری که:

تولید کنندگان داخلی به کیفیت و رضایت مشتری عنایت نمایند و مصرف کنندگان برای جلوگیری از خروج ارز، منابع مالی کشور، آسیب رسیدن به اقتصاد ایران، جلوگیری از بیکاری و حمایت از تولید ملی به خرید کالاهای داخلی مبادرت ورزند. اقتصاد مقاومتی پایه های استوار خود را بر روی دو عنصر لایتجزای اقتصادی یعنی تولید ملی و مصرف ملی بنیان نهاده است.

اقتصاد مقاومتی بر آن است که تبیین کند: زیننده یک نظام نو بنیاد اسلامی نیست مدیران اقتصادی در تز تجاری واردات بیشتر از صادرات کالاهای نهایی را در کارنامه اقتصاد داشته باشند و برای واردات منافع خام را بفروشند و این امر وابستگی و آسیب پذیری اقتصاد ایران را مضاعف می نماید.

اقتصاد مقاومتی و رهنمودهای مقام معظم رهبری پیام شفاف را برای سیاستگذاران دارد و آن تولید مبنی بر تفکر، سرمایه و کار ایرانی بدون اتکاء به درآمد منابع خام ولی متکی بر ثروت ملی برآمده از منابع خام می باشد.

تعریف، تبیین و مفهوم اقتصاد مقاومتی

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون چه در عرصه ی نظر و در کتاب های درسی و چه در عرصه ی عمل و تجارب بشری مشابه و مابه ازای واقعی نداشته است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه پردازی و الگوسازی در این عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است.

اصطلاح اقتصاد مقاومتی در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری مطرح و سپس به مفهوم رایج مباحث اقتصاد سیاسی تبدیل شد. صاحب‌نظرانی با رویکردهای گوناگون در این حوزه اظهار نظر کرده‌اند؛ برخی با ادبیات علم اقتصاد، برخی با ادبیات اقتصاد اسلامی و برخی نیز نقش مؤلفه‌های حوزه‌های فرهنگ و سیاست را در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار داده‌اند. از ابتدای مطرح شدن اصطلاح اقتصاد مقاومتی، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های گوناگون به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند. ایشان معنای اقتصاد مقاومتی را چنین بیان نموده‌اند:

«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان، که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا نکند».

همچنین ایشان در جای دیگر این مفهوم را چنین معنا می‌کنند:

«اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست، این جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد. نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند».

بنابراین باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد تدافعی یا ریاضتی نیست، بلکه در حقیقت نوعی اقتصاد و برنامه‌ریزی تعاملی مبتنی بر راهبرد استفاده از تهدید به‌عنوان یک فرصت است.

حال باید دید زمینه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر زمینه‌ساز تهدید چیست و چگونه و با چه راهبردی می‌توان این تهدیدها را به فرصت تبدیل نمود و به‌عنوان فرصتی برای اصلاح یا حتی جراحی اقتصادی استفاده کرد و در عین رفع تهدیدها، به رشد و شکوفایی اقتصادی نیز دست یافت. اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است.

اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تاکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود.

بنابراین مسئولان و اندیشمندان باید مراقب باشند در راه رسیدن به اقتصاد پویا در دام اقتصاد بسته و خود محور نیفتند.

در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد.

بنا به تعریف برخی از اقتصاد دانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد.

برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند.

اگر تمام دانش انباشته و کتاب‌های مرسوم اقتصادی دنیا را مطالعه کنید، نظریه یا تجربه‌ای مدون و مکتوب درباره‌ی اقتصاد مقاومتی نخواهید یافت. در تمام متون و کتاب‌های اقتصاد، هیچ پیشینه‌ای نظری یا عملی از تحریم بانک مرکزی نخواهید دید و از آن‌جا که این امر تاکنون سابقه نداشته، چگونگی واکنش به آن هم امری بدیع است. حتی اگر مطالعاتی هم در این باره صورت گرفته باشد، در طبقه‌بندی‌های مجرمانه و امنیتی قرار گرفته و امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد.

نتیجه اینکه اقتصاددان انقلاب اسلامی نمی‌تواند از نظریه‌های متداول برای حل مشکل و مسأله‌ی خود بهره بگیرد. لذاست که جنبش

نرم‌افزاری و الگوی اسلامی - ایرانی اداره‌ی جامعه، شکل بدیعی به خود می‌گیرد که الهام‌بخش جمیع ملت‌های آزاده خواهد بود. اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهارگونه تعریف نمود و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه‌ی آنها را در کشور به‌عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد.



تعریف اول: اقتصاد موازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهایی برای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده‌ی نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما هم‌زمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاست‌گذاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند. به‌عنوان مثال می‌توانیم از حضور هم‌زمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ‌تصوری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی - مالی کشور در دو لایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشده‌ی و غیرمعقول به حساب آورد.

تعریف دوم: اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فروبردن انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم.

این مسأله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به طوری که امروزه با قیمت‌های بالای یک‌صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

تعریف سوم: اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

تعریف چهارم: اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد.

در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود.

البته همه‌ی این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه‌ی «عموم و خصوص مین‌وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند.

اقتصاد مقاومتی در کلام مقام معظم رهبری:

"در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، «اقتصاد تهاجمی» را مطرح کردند؛ عیبی ندارد. بنده فکر اقتصاد تهاجمی را نکردم. اگر واقعاً یک تبیین دانشگاهی و آکادمیک نسبت به اقتصاد تهاجمی - به قول ایشان، مکمل اقتصاد مقاومتی - وجود دارد، چه اشکالی دارد؟ آن را هم مطرح کنیم. آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده. البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان میدهد و اجازه میدهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند.

این یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است. شما دانشجوی هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده‌ی اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید میتواند تضمین کننده‌ی رشد و شکوفائی یک کشور باشد.

هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانائی‌های مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند.

این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت میکند. ما فقهای بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده میکنیم. خب، بدیهی است که حرکت به سمت این فقها، معارضها و معارضه‌هایی هم دارد. بعضی از این معارضه‌ها انگیزه‌های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه‌های سیاسی دارد؛ بعضی منطقه‌ای است، بعضی بین‌المللی است.

یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه گند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد.

این چیزهایی که الان آنها تهدید میکنند، تحریم میکنند، جز آمریکا و جز رژیم صهیونیستی، هیچ کس ذی‌نفع از این تحریمها نیست. دیگران را با زور و با فشار و با رودربایستی و با این چیزها وارد میدان کردند.

خب، پیداست که زور و فشار و رودربایستی نمیتواند خیلی ادامه پیدا کند - یک مدتی است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریمهای نفتی و امثال اینها استثناء کنند! دیگرانی هم که استثناء نشدند، خودشان مایل نیستند، و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما میخواهیم، آنها دنبال راه‌حل میگردند. بنابراین بایستی مقاومت کرد.

ما باید مسائل کشور را با این دید نگاه کنیم؛ آرمانها جلوی چشم ما باشد؛ واقعیت‌های تشویق کننده جلوی چشم ما باشد. در مورد واقعیت‌های منفی - که در واقع در بعضی موارد واقعیت‌سازی است، واقعیت‌نمائی است - دچار اشتباه نشویم.

البته توان دشمن را دست‌کم نگیریم، سهل‌انگاری و ساده‌انگاری نکنیم. مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. شما مثل یک ریاضیدانی که میخواهد یک مسئله‌ی مهم ریاضی را حل کند، بر سر این مسئله تلاشتان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید.

شما ریاضیدان بااستعدادی هستید؛ این هم یک مسئله‌ی ریاضی است. اینجوری باید با مسائل گوناگون برخورد کنید. خوشبختانه انسان مشاهده میکند که همین روحیه هم در دستگاه‌های گوناگون وجود دارد. به مسئله‌ی اقتصاد باید با این دید نگاه کرد.

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، میتوانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان میداد که اینها میخواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند.

اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه‌ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان میتواند مشاهده کند".

مشکلات ساختار اقتصادی کشور

تحریم؛ اگر چه تحریم‌های بانکی از چالش‌های مهم سیستم بانکی است، اما تجربه نشان داده است که سیستم بانکی

کشور به خوبی تحری مها را مدیریت کرده است. این تحریم ها هزینه های سیستم بانکی و فعالان اقتصادی را افزایش داده است، اما مؤثر نبوده است. تحریم وقتی مؤثر است که تحریم کنندگان با اعمال تحریم بتوانند باعث تغییر رفتار تحریم شونده و یا رسیدن به خواسته های خود بشوند که خوشبختانه تا کنون انواع تحری مها بی اثر بوده است که بخشی از آن مرهون تلاشهای بانک ها برای عبور از تحریم هاست. تحریم، هزینه ی کل کشور برای استقلال است که نیاز به مدیریت دارد و بخش های مختلف تا کنون به خوبی به مدیریت آن پرداخته اند. دولت و مجلس نیز لازم است بودج هی خاصی برای کمک به بان کها، صنایع و شرکت های آسیب دیده از تحریم اختصاص دهند تا در مواقع لزوم، بودجه ی حمایتی برای بخش های آسیب پذیر در دسترس باشد.

قابلیت انطباق بازارهای مالی ایران با نهادها و بازارهای بین المللی؛ گر چه دغدغه اصلی بازار مالی، تطابق با فرهنگ، اهداف و انگیزه ها و روحیات شرکت کنندگان داخلی است، با پیشرفت بازارهای مالی بین المللی و گسترش ارتباط ها و همکاری های فراملی نمی توان به بازار مال ی بسته بسنده کرد. باید در طراحی نهادها و ابزارها حد اکثر دقت ها و ظرفیت ها را به کار برد تا هنگام لزوم، چه در طرف عرضه سرمایه نقدی و چه در طرف تقاضا بتوان با بازارهای مالی بین المللی به ویژه کشورهای اسلامی تعامل کرد.

مدیریت دولتی؛ در این ساختار، دیدگاه غالب به بانک، یک دیدگاه از منظر بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی نبود، بلکه در این دیدگاه به بانک، به عنوان رافع تمامی مشکلات اقتصادی نگریسته می شد. دیدگاه عمومی مسؤولان مربوط در اقتصاد ایران اعم از بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنایع، مسکن، کشاورزی و مجلس شورای اسلامی بر این اساس استوار بود که بانک نه یک بنگاه اقتصادی بلکه یک نهاد مالی عظیم است که در اختیار دولت می باشد تا برنامه های حمایتی و سیاست های مالی و حل مشکلات اقتصادی خود را از رهگذر آن ها اجرا کند. مواردی از قبیل عزم قانون گذار به در اختیار گذاشتن تسهیلاتی برای اشتغال و افزایش تولید، تبعات ناشی از 8 سال جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی آسی بهای ناشی از آن، تعیین سهم تسهیلات اعطایی در هر بخش اقتصادی و ... از جمله امور و عواملی بوده اند که به سهم خود نگذاشته اند نظام بانکی به اهداف طراحی شده دسترسی یابد. با ورود بانک های خصوصی به مجموعه ی سیستم بانکی هر چند این دیدگاه تا حدی تعدیل شد اما نگاه سیاسی نگذار اصلی بخش پولی یعنی بانک مرکزی تغییری نیافت، به طوری که در مواردی حتی ملاحظه می شود که بانک مرکزی از رقابت بانک ها در کاهش نرخ خدمات نیز ممانعت به عمل می آورد و مقرراتی از نوع سهام داری به بانک ها تحمیل می نماید. از سوی دیگر مدیران جز، میانی و ارشد بانکهای خصوصی نیز از بان کهای دولتی انتخاب می شوند و همان تفکر بانک داری ایرانی به بانک های خصوصی جدید که انتظار کارآمدی بالا از آن ها می رود، رواج می یابد. با اجرای سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی و خصوصی شدن چند بانک بزرگ دولتی نیز تغییر خاصی حاصل نم یشود. مالکیت نیمه خصوصی با مدیریت دولتی در بانک های خصوصی شده ادامه می یابد.

بدهی دولت به سیستم بانکی، حجم زیاد تسهیلات تکلیفی و تبصره ای، تکلیف توزیع بخشی اعتبارات و سیاست تهای تکلیفی نرخ سود و عدم شفافیت در صورت های مالی و عدم شفافیت در رسالت بان کها و مواردی از این دست، از پیامدهای ساختار دولتی سیستم بانکی است.

چرایی اقتصاد مقاومتی؟

مقام معظم رهبری در بیان ضرورت و علل انتخاب اقتصاد مقاومتی به لزوم نگاه واقع بینانه در برابر شرایط حاکم بر کشور اشاره نموده و موارد زیر را به عنوان واقعیت های تلخی که سبب اتخاذ این اقتصاد گردیده، برشمردند:

- ۱- یکی از واقعیت‌های موجود کشور وجود فشارها و تهدیدهاست؛ از واقعیت‌های موجود کشور وجود فشارها و تهدیدهاست. کشور با زور آزمایی چند قدرت و دولت مستکبر رو به رو است. طرف مقابل ما جامعه جهانی نیست، دولت‌ها نیستند، ملت‌ها نیستند، چند دولتند، منتها دستگاه رسانه‌ای قوی دارند. این چیزها که ما باید اقرار کنیم که امریکایی‌ها و غربی‌ها انصافاً در این قضیه قوی هستند، قدرت رسانه‌ای است، قدرت تبلیغات به معنای پروپاگاندا است، همان که خودشان می‌گویند... ما این را قبول داریم که در مقابل ما فشار هست، توانایی‌های اقتصادی، توانایی‌های سیاسی، امنیتی و امثال اینها و بخصوص رسانه‌ای پشت سر این حرکت وجود دارد، این یک واقعیت است.
- ۲- دشمنان ما با توان تبلیغاتی و رسانه‌ای بالای خود خودشان را بنام ((جامعه جهانی)) معرفی می‌کنند؛ آن چیزی که ما اقرار می‌کنیم که اینها در آن قوی هستند، قدرت تبلیغات و قدرت رسانه‌ای و وانمود کردن مطالبی است که می‌خواهند وانمود شود. امروز اینها با توان تبلیغاتی و رسانه‌ای بالای خود بشدت دارند این را تبلیغ می‌کنند و می‌گویند، و این واقعیت دارد که چند دولتند، منتها با همین نیروی رسانه‌ای، خودشان را بنام ((جامعه جهانی)) معرفی می‌کنند، و دورغ می‌گویند، جامعه جهانی نیست. این یک واقعیت است.
- ۳- بسیاری از کشورهای مقابل ما سیاهی لشکرند، ما با زور آزمایی چند دولت و چند قدرت استکباری مواجه ایم. اینها یک سیاهی لشکر هم پشت سرشان دارند، که آنها هم با ما مخالفند، اما آنها موجودیتی از خودشان ندارند، توانی ندارند. اگر دست حمایت قدرتی مثل امریکا از روی سرشان برداشته شود، صفرند، در معادلات جهانی و بین‌المللی به حساب نمی‌آیند، لیکن حالا به عنوان سیاهی لشکر، پشت سر امریکا و پشت سر رژیم صهیونیستی و شبکه صهیونیسم دنیا دارند حرکت می‌کنند. این یک واقعیت است، این در مقابل ماست، این از اول انقلاب شکل گرفته، کم‌کم هم نشده و افزایش هم پیدا کرده.
- ۴- دورغ بودن اینکه این فشارها به خاطر مثلاً مسئله هسته‌ای یا مسئله حقوق بشر است؛ واقعیت دیگری که در کنار این واقعیت باید دیده شود این است که وانمود می‌شود این زور آزمایی به خاطر مثلاً مسئله هسته‌ای یا مسئله حقوق بشر است و این دورغ است. دورغ بودن این ادعاء یکی از واقعیت‌هاست... اینها می‌گویند مقابله ما با جمهوری اسلامی برای حقوق بشر است، دورغ است، این هم که می‌گویند مقابله با جمهوری اسلامی برای سلاح هسته‌ای است، دورغ است، این را ما اول با حدس بیان می‌کردیم، بعد در مذاکرات و مبادلات بین‌المللی برای ما روشن شد که آنها میدانند جمهوری اسلامی دنبال سلاح هسته‌ای نیست، این را باور کردند و قبول دارند، و واقعیت هم همین است، در عین حال مسئله سلاح هسته‌ای را مطرح می‌کنند. پس ادعای اینکه این فشارها، این تحریم‌ها، این محاصره‌ها، این دشمنی‌ها و خصومت‌ها به خاطر مسئله سلاح هسته‌ای و مسئله توان هسته‌ای است، یک دورغ است، این دورغ بودن هم یک واقعیت است.
- ۵- مخالفت‌ها به خاطر اصل انقلاب و اصل تشکیل نظام اسلامی است، واقعیت این است که مخالفت آنها به خاطر اصل انقلاب و اصل تشکیل نظام اسلامی است. این‌ها در این منطقه با خیال راحت داشتند حکومت می‌کردند. کشوری مثل ایران با این منابع سرشار، با این امکانات فراوان، توی مشت آنها بوده است، هر کاری می‌خواستند، می‌کردند، هر تصمیمی می‌خواستند می‌گرفتند، از امکانات این کشور در پیشبر مقاصد خودشان همه استفاده‌ها را می‌کردند، ولی الان از آن محروم شده‌اند. فقط این هم نیست، این حرکت موجب شده است که این داعیه و این انگیزه در دنیای اسلام بیدار شود، که امروز نشانه‌هایش را در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در همه کشورها و ملت‌ها داریم مشاهده می‌کنیم، اینها از این ناراحتند. نقطه کانونی، جمهوری اسلامی است، می‌خواهند به جمهوری اسلامی ضربه وارد کنند و این را عبرتی قرار بدهند برای دیگران، انگیزه واقعی این است. این هم یک واقعیت است.

جدید نبودن چالش هایی که امروز برای جمهوری اسلامی وجود دارد، یک واقعیت دیگر این است که این چالش هایی که امروز برای جمهوری اسلامی وجود دارد، جدید نیست. این هم تحلیل نیست. این واقعیت است، این را همه می بینند، مشاهده می کنند. یک روزی بود که کشتی های نفتی و غیر نفتی ما را در خلیج فارس می زدند، یک روزی بود که همه مراکز صنعتی موجود ما زیر چتر بمباران دشمن بود، این ها چیز هایی است که به چشم خودمان دیدیم، ما این روزها را گذراندیم ، این برای ما جدید نیست امروز جرات نمی کنند به جمهوری اسلامی نزدیک شوند-که حالا عرض خواهم کرد- این هم بخش دیگری از واقعیت هاست. یک روزی این جرات را داشتند، می آمدند، ضربه می زدند، حمله می کردند. جنگ صدام با ما که جنگ یک دولت با ما نبود، جنگ بین المللی علیه ما بود. بنابراین، این چالش هایی که وجود دارد-تهدید می کنند، میگویند، می شمرند، بزرگنمایی می کنند- برای جمهوری اسلامی جدید نیست. این هم یک واقعیت.

۷ عبور نظام جمهوری اسلامی از همه گردنه های سخت: یک واقعیت دیگر این است که نظام جمهوری اسلامی از همه این دشواری ها و گردنه های سخت عبور کرده . مگر عبور نکردیم؟ مگر توانستند به جمهوری اسلامی ضربه وارد کنند؟ مگر توانستند به آرمانها و اصول جمهوری اسلامی خدشه ایی وارد کنند؟ نتوانستند. این هم یک واقعیت است. این واقعیت ها باید دائما جلوی چشم ما باشد.

۸ پیشرفت در شرایط تهدید: ، یک واقعیت دیگر این است که ما در همین شرایط تهدید پیشرفت کردیم. در طول این سالهای متمادی، ما در همه حوزه ها جلو رفتیم، در حوزه دانشهای پیچیده پیشرفت کردیم، در حوزه فناوری های مورد نیاز کشور پیشرفت کردیم، در زمینه دارو، حمل و نقل، مسکن، آب، راه، کشور پیشرفت های برجسته ای کرده، که امروز بخشی از آمارها را آقای رئیس جمهور گفتند و شما شنیدید. با وجود همه این فشارها ، کشور در طول این سالها مرتب جلو رفته است. در حوزه بعضی از دانشهای مهم و انحصاری و منحصر به فرد -کشور رتبه پیدا کرده. خب، اینها الگو سازی در دنیای اسلام است، این یک واقعیتی است. ما متوقف نماندیم ، ما دائم پیش رفتیم. نظام جمهوری اسلامی با همه این تهدید هایی که وجود داشته است ، از قبیل تحریم و غیر تحریم و تهدید و کارهای گوناگون و پیچیده امنیتی و سیاسی و غیره- این پیشرفت ها را داشته است . این هم یک واقعیت است، این هم تحلیل نیست ، این هم محسوساتی است که جلوی چشم همه ماست. شما مسئولین محترم هم بهتر از احاد مردم این ها را میدانید.

۹ قوی تر شدن کشور در مواجهه با چالش ها و تهدید ها، یک واقعیت دیگر این است که کشور با مواجهه با چالش ها و تهدید ها ، در مقایسه با سالهای قبل از انقلاب ، به مراتب قوی تر شده . امروز ما با مواجهه با تهدیدها، از روز اول خیلی قوی تریم، همه اعتماد به نفسمان بیشتر است ، هم توکلمان به خدا الحمدلله کم نیست، هم توانایی های علمی و موجود و محسوس و ملموس ما بیشتر از گذشته است. قدرتها با همه توانشان دارند تلاش میکنند، اعتراف میکنند که نمی توانند پیش بروند، نتوانستند کار خودشان را پیش ببرند.

۱۰ ضعیف تر شدن جبهه مقابل ما در طول سالهای اخیر: یک واقعیت دیگر است که جبهه مقابل ما در طول این سالها ضعیف تر شده است. یعنی اگر ما دو نماد اصلی این جبهه را امریکا و رژیم صهیونیستی بدانیم ، و غرب را دنبال سر اینها بدانیم ، واضح است که اینها ضعیف تر شده اند. امروز رژیم صهیونیستی بمراتب ضعیف تر از بیست سال قبل و سی سال قبل است. بعد از حوادث شمال افریقا و مسئله مصر ، رژیم صهیونیستی بشدت تضعیف شده است، هم از درون دچار مشکل است، هم از بیرون مشکلاتی بی نهایتی دارد. امریکای امروز هم امریکای زمان ریگان نیست، اینها بمراتب عقب رفتند. در عراق وضعیتشان انجوری شد، در افغانستان روز به روز وضعیتشان بدتر شده است، در سیاست های خاورمیانه ایی شان شکست خوردند، در جنگ سی و سه روزه ، عاملشان که رژیم صهیونیستی است ، شکست خورد، در جنگ بیست و دو روزه ، عاملشان که رژیم صهیونیستی است، نتوانست در مقابل یک میلیون و اندی انسان بی دفاع کاری از پیش ببرد. اینها واقعیت های خیلی مهمی است. بنابراین اینها ضعیف شده اند. اینها نسبت به بیست سال قبل و سی سال قبل بمراتب ضعیف ترند. این هم یک واقعیت دیگر است.

۱۱ بحران در رژیم های مخالف نظام جمهوری اسلامی؛ یقواقعیت دیگر این است که رژیم های مخالف نظام جمهوری اسلامی درگیر بحرانند، همین چند دولت غربی ، خودشان و اطرافیانشان دچار بحرانند. با این بحران اقتصادی که در اروپا وجود دارد، اتحاد اروپا جدا در تهدید است ، یورو جدا مورد تهدید است. امریکا هم به نحو دیگری، کسری بودجه فراوان، قرض فراوان، فشار مردم، حرکت ضد وال استریت، حرکت-به قول خودشان-نود و نه درصدی. اینها حوادث مهمی است. البته وضع اروپا از امریکا بدتر است، چند دولتشان سقوط کردند. الان در چندین کشور اروپایی بی ثباتی وجود دارد.

۱۲ سقوط و تغییر رژیم های وابسته به غرب: واقعتی دیگر همین تحولات شمال افریقا و تحولات مجموعه این منطقه است. در بعضی جاها این تحولات به تغییر نظام ها و رژیم ها منتهی شده، بعضی هم نشده، اما در خطرند. که من از اینها عبور میکنم.

۱۳ یک واقعتی دیگر، توان افزایش یافته در درون جمهوری اسلامی است: ما کشور قدرت مندی هستیم. ما کشور دارا و توانایی هستیم. از لحاظ منابع، در رتبه های بالای جهانی هستیم. در بعضی از منابع، رتبه اولیم. در ترکیب نفت و گاز، ما در دنیا اولیم، از همه کشورهایی که دارای نفت هستند، مجموعه نفت و گاز ما بیشتر است. از لحاظ منابع و معادن اساسی ، کشور غنای بالا و فراوانی دارد. از لحاظ نیروی انسانی، ما هفتاد و پنج میلیون نفر جمعیت داریم، این جمعیت عامل خیلی مهمی است.

۱۴ انعطاف در مقابل جبهه دشمن ، یک واقعتی دیگر این است :: در هر برهه ای که ما در مقابل جبهه دشمن انعطاف نشان دادیم و با توجیه هایی عقب نشینی کردیم - مثل مثلا یکوقت گفتیم بگذارید سوء ظن دشمن را از خودمان زائل کنیم- دشمن مواضع گستاخانه تری علیه ما گرفته، در آن روزی که ادبیات مسئولین ما اوده شد به حرفها و تعبیرات تملق آمیز نسبت به غرب و فرهنگ غرب، در آن روز اینها ما را محور شرارت معرفی کردند، چه کسی؟ آن کسی که خودش مجسمه شرارت بود...عقب نشینی ها آنها را گستاخ تر کرد، طلبکار تر کرد. یک روزی بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ما ۲۵ سانتریفیوژ در کشور داشته باشیم، آنها گفتند نمی شود، اینها قانع شدند که ۵ سانتریفیوژ داشته باشیم ، باز هم گفتند نمی شود، مسئولین ما قانع شدند ۳ سانتریفیوژ داشته باشیم ، باز هم گفتند نمی شود، امروز گزارش را شنیدید، یازده هزار سانتریفیوژ داریم ، اگر ما آن عقب نشینی ها را ، آن انعطاف ها را ادامه می دادیم امروز از پیشرفت هسته ای که هیچ خبری نبود ، به این نشاط علمی هم که در چند سال اخیر در کشور وجود پیدا کرده- این حرکت علمی، این جوان ها، این ابتکارات، اختراعات، پیشرفتهای گوناگون در بخش های مختلف- قطعاً لطمه می خورد ، چون اولاً نسبت به هریک از آنها ممکن بود یک بهانه ای بیآورند، ثانیاً حرکت هسته ای و صنعت هسته ای، نماد پیشرفت یک کشور است. این هم یقواقعیت دیگری است.

۱۵ اگر مدبرانه مقاومت کنیم، امکان تکرار استفاده از این حربه وجود نخواهد داشت: یک واقعتی دیگر هم این است، که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن -از جمله در مقابل همین تحریم ها و از این چیزها- مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کند خواهد شد بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت، چون این یک گذرگاه است، کشور از این برهه عبور خواهد کرد...خب، پیداست که زور و فشار و رودربایستی نمی تواند خیلی ادامه پیدا کند-یک مدتی است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریم های نفتی و امثال این ها استثناء کنند، دیگری هم که استثنا نشدند خودشان مایل نیستند و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما می خواهیم، آنها دنبال راه حل میگردند. بنابراین بایستی مقاومت کرد. خب اینها واقعتی های ملموس است. اینهایی که عرض کردم ، هیچ کدامش تحلیل نبود، ذهنی نبود، چیزهایی است که مشاهده می کنیم.

۱۶ دچار تنبلی هستیم، البته در کنار این واقعتی ها، این واقعتی هم هست که ما هنوز آن حالت لازم متناسب اسلامی را در میدان کار و اینها در خودمان به وجود نیاوردیم، یک قدری دچار تنبلی هستیم، این جزء میراث های دوران استبداد و تسلط دیکتاتوری بر کشور است. وقتی در یک کشوری دیکتاتوری بود، مردم تنبل میشوند. این میراث دوران استبداد است که در ما وجود دارد.

باید تنبلی را کنار بگذاریم. آن خطر پذیری لازم در همه بخش های جامعه نیست. با توکل به خدای متعال، و با تدبیر و درایت لازم، باید خطر پذیری وجود داشته باشد، این را باید همه داشته باشیم.

اقتصاد مقاومتی، تحقق جهاد اقتصادی

نامگذاری یک سال از طرف مقام معظم رهبری، بنام جهاد اقتصادی، آغاز حرکتی بود در راهی که به از بین بردن موانع و معضلات اقتصادی کشور می انجامد. به همین نامگذاری یک سال به نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، یکی از اهداف مهم آن ایجاد اقتصاد مقاومتی است. جهاد اقتصادی به معنای شروع حرکتی موثر برای ساختن بنیان آینده ایست که امروز برای هر ایرانی یک آغاز است، شروع زندگی در شرایطی بهتر و ایده آل.

اقتصاد مقاومتی نتیجه و ثمره اقتصادی است که با تکیه بر حرکت های جهادی و فداکارانه در برابر احتکار و انحصار قد علم می کند و با تورم و گرانی مقابله می کند تا مردم به آسایش نسبی در زندگی برسند.

برخی محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

حمایت از تولید ملی

تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مبین سه وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می باشد، سه حلقه ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم، تاثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن، به این تعامل وابسته است. یعنی هرچه قدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به خرید کالای تولید داخلی نخواهد بود.

اگر تولید کننده هم برای تولید کالای باکیفیت همت کند ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی، فضای کسب و کار را سخت کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی رغبت باشند، باز هم نتیجه منفی خواهد بود. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.

سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی

محدود سازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می باشد.

بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با بکارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کار آمد، ضمن ایفاء نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، می تواند اهداف توسعه ای دولت را محقق نماید.

اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر تحریم هاست.

توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری های نوین مشمول تحریم قرار می گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی دهند این فناوری ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، می توان این فناوری ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگی های اقتصاد مقاومتی است و نیز باید شرایط به گونه ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی در خصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم ها عمل می کند.

نقش شرکتهای دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری: "یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است... این بخش شرکتهای دانش بنیان و فعالیتهای اقتصادی دانش بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است. ما استعدادهای برجسته‌ای داریم که میتوانند در این مورد کمک کنند. ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکتهای دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد".

تبیین نقش ساخت داخل نیروگاهی در سیاست های اقتصاد مقاومتی:

اهداف تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

مهار سوداگری و فساد، گام اول تحقق اقتصاد پایدار

منظور از سوداگری، فعالیت های غیر مولدی است که از تلاطمات و نوسان های بازار سوء استفاده نموده و بهره مندی هایی را نصیب برخی افراد می گرداند. در اقتصاد مبتنی بر دلالی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و ساز و کار اقتصاد به سمت حباب های قیمتی و نوسان های شدید سوق می یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می شود.

برخی سیاست های اجرایی مناسب ذیل این اصل عبارتند از:

سیاست های کنترل زمین و مسکن

مبارزه با قاچاق و واردات غیر قانونی

ساماندهی فضای اطلاعاتی به منظور دسترسی یکسان آحاد جامعه به اطلاعات اقتصادی و...

مردمی سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریم ها

برای اینکار، در گام اول می بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرارگیرد تا زمینه برای حضور موثر همه افراد در فعالیت های مولد اقتصادی فراهم شود. وحدت و همکاری میان فعالین می تواند به اشکال گوناگون شبکه سازی، خوشه سازی، زنجیره تامین و... در دستور کار قرار گیرد. لیکن با محوریت نظم های جمعی میان فعالیت ها، آرمان های مردم سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم ها و فشارها ارتقاء می یابد.

خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خود اتکایی

ساز و کارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه ای مورد بازبینی قرارگیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی نموده و درخصوص آن تصمیم گیری نمایند. در موارد کم اهمیت تر می توان این حوزه ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن است جایگزین سازی کامل مد نظر قرار گیرد. برخی از سیاست هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و نیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر.....

اولویت بندی شرکای تجاری ایران

کشورهای منطقه و نیز کشورهایی با همسویی ایدئولوژیک باید بر دیگران ترجیح داده شوند. از سویی کشورهایی با همبستگی بیشتر، تمایل کمتری به ورود در توافقات طرفینی بر علیه یکدیگر دارند و از سوی دیگر، منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت های مشترک، امنیتشان به هم گره خورده است.

در واقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی، با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگ تر، پایداری بیشتر خواهد داشت. اگر کشور در زمینه های صنایع و رشته فعالیت های اولویت دار مثل غذا و دارو، پیشرفت کند به صادر کننده عمده مبدل شده و به پیشرفت های فنی و صنعتی بسیاری در این زمینه ها می تواند نایل شود، لذا بقای کشور تضمین شده و امکان تحریم و فشار به کشور کاهش می یابد.

حوزه انرژی و صنایع نظامی نیز دو زمینه مهم دیگری هستند که بایستی مورد توجه ویژه قرار بگیرند. اولویت بعدی هم صنایع فرهنگی است. در این حوزه نیز به سبب رویکرد فرهنگی و گفتمان ساز انقلاب اسلامی می توان با تحرک و پویایی مناسب مبانی فرهنگی و تربیتی والای اسلامی را به جهان صادر نمود و مبنای فکری نظام سلطه را مورد چالش جدی قرارداد.

فرهنگ سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی

علاوه بر ترویج و تبلیغ مفاهیم عام حوزه فرهنگ مقاومت همچون جهاد و مبارزه، در حوزه اقتصادی نیز بایستی مفاهیم فرهنگی مناسبی بسط و توسعه یابد. ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست.

نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت و نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه

و...نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مد نظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد.

اینها گوشه ای از اهداف اقتصاد مقاومتی است که تنها با امتداد راه جهاد اقتصادی میسر خواهد شد. ایجاد شرایطی نسبتاً پایدار، اقتصادی ایمن و مقاوم و خود کفایی که آرزوی هر ملتی است.

موانع و چالشهای پیش روی اقتصاد مقاومتی

از جمله این موانع می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱/ وجود عوامل متعدد بر ایجاد فضای منفی برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی
- ۲/ وجود موانع متعدد پیش روی تولید ملی
- ۳/ عدم وجود فضای رقابتی در بخش تولید و توزیع در برخی از گروه کالایی
- ۴/ پایین بودن سطح بهره وری نیروی انسانی و ضرورت تشکیل نیروی انسانی کارآمد بیش از گذشته
- ۵/ افزایش نقدینگی و عدم تناسب آن با تولید
- ۶/ وجود نقدینگی های سرگردان
- ۷/ تورم بالا و مستمر در کشور
- ۸/ اختلالات متعدد در بازار ارزی کشور
- ۹/ سطح بالای بیکاری و عدم اشتغال پایدار
- ۱۰/ افزایش مستمر قیمت مسکن و اجاره ها
- ۱۱/ وابستگی شدید بودجه سالانه کشور به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام
- ۱۲/ کسری بودجه مزمن و پایدار
- ۱۳/ عدم اجرای کامل سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی در راستای آزاد سازی و خصوصی سازی
- ۱۴/ وجود نظام مالیاتی ناکارآمد
- ۱۵/ هدفمند نبودن یارانه ها علی رغم اجرای آن
- ۱۶/ ناکارایی نظام پولی و بانکی

۱۷ /نوسانات متعدد در شاخص های بورس

۱۸ /وجود سیاست های حمایتی و تعرفه ناکارآمد و غیر هدفمند

۱۹ /ضعف های زیرساختی و گمرک

۲۰ /تامین قطعات و فقدان الگوهای مصرف بهینه

۲۱ /مشکلات تامین کالاهای مورد نیاز بخش تولید

۲۲ /وابستگی صادرات غیر نفتی به بخش میعانات نفتی، گازی و پتروشیمی

۲۳ /عدم حمایت موثر از حقوق تزییع شده مصرف کنندگان

۲۴ /مواردی که موجب ایجاد ضعف در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های اقتصادی می شود

۲۵ /عدم پیشگیری در مواجهه با فساد مالی در دستگاه های دولتی و غیر دولتی

۲۶ /فساد اقتصادی

۲۷ /انجام واردات بی رویه

۲۸ /عدم اعمال مالیت های سنگین برای فعالیت های غیر تولیدی

۲۹ /بروکراسی اداری نیز به عنوان یکی از موانع تحقق اقتصاد مقاومتی است که یافتن راه کارهای حمایتی برای بهره برداری به موقع از پروژه های در دست اجرا را می طلبد.

سیاست های اقتصاد مقاومتی در صنعت برق :

صنعت برق، جزو مهمترین حوزه های مورد توجه در اقتصاد مقاومتی است. انرژی برق را می توان مهم ترین حامل انرژی نام برد به گونه ای که حیات تمام صنایع کشور، روشنایی و رفاه زندگی امروزه بشری وابسته به این انرژی گران بها است. در سال ۹۵ که مزین به نام اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل است، وزارت نیرو در نامه ای در تاریخ ۲۱ فروردین ماه برنامه های عملیاتی اقتصاد مقاومتی وزارت نیرو در سال جاری را به اسحاق جهانگیری، معاون اول ریاست جمهور و دبیر ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی اعلام کرده است.

اگرچه در این نامه نکات با اهمیتی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی مانند احداث بخش بخار نیروگاه های گازی، کاهش تلفات شبکه توزیع برق و احداث نیروگاه های تجدید پذیر اشاره شده است، اما جای خالی «اصلاح ساختار اقتصادی برق» به عنوان مهم ترین عامل مقاوم سازی صنعت برق به خوبی احساس می شود.

در حال حاضر، مدل اقتصادی ساختار صنعت برق به گونه‌ای است که از یک طرف بدون احتساب هزینه سوخت مصرفی برای تولید برق، به ازای هر کیلووات ساعت تولید برق و انتقال و توزیع آن حدود ۱۰۰ تومان هزینه می‌گردد و از طرف دیگر به صورت میانگین حدود ۵۰ تومان از مشترکین دریافت می‌گردد. به عبارتی، به صورت متوسط به تمام پلکان های مصرف برق، حداقل ۴۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت یارانه پرداخت می‌شود.

در سال ۹۴ حدود ۲۳۵ میلیارد کیلووات ساعت برق به شبکه برق کشور تحویل داده شده است و حدود ۴ هزار میلیارد تومان یارانه برای آن پرداخت شده است.

بخصوص آنکه با توجه به استمرار این روند بعد از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها، حجم بدهی های وزارت نیرو به پیمانکاران و تولیدکنندگان برق را به حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۹۳ رسانده است. وجود این حجم از بدهی برای وزارت نیرو باعث شده است که صنعت برق به عنوان بنگاه اقتصادی تلقی نگردد و سرمایه‌گذاران انگیزه ای برای سرمایه‌گذاری در این حوزه نداشته باشند. تاکنون اقدامات زیادی برای اصلاح الگوی نظام اقتصادی صنعت برق در کشور انجام شده است ولی همانطور که اشاره شد، نیاز به اقدامات تکمیلی به شدت احساس می‌شود.

یکی از مهم ترین روش های اصلاح این الگو در کشورهای دنیا، استفاده از شیوه های هوشمندانه قیمت گذاری حامل های انرژی در بخش خانگی مانند نظام تعرفه گذاری پلکانی افزایشی (IBT=Increasing Block Tariff) است.

در این روش، هزینه مصرف متناسب با میزان افزایش آن بالا می‌رود و در این صورت مصرف بیشتر با یارانه بیشتری همراه نمی‌شود و مشترکین پرمصرف به جای عموم مشترکین در کانون افزایش هزینه قرار می‌گیرند. نظام تعرفه گذاری پلکانی افزایشی با توجه به روند مصرف عموم مردم، میزان مشخصی از هر حامل انرژی به عنوان «الگوی مصرف مجاز» تعریف می‌کند و هزینه مصرف کمتر از الگو، ارزان تر تعیین می‌شود.

با عبور مصرف از مقدار الگو، قیمت به صورت ناگهانی افزایش می‌یابد تا مشترکین پرمصرف با پرداخت هزینه واقعی انرژی، رفتار خود را اصلاح کنند و فشار افزایش قیمت نیز از عموم مردم برداشته شود. با استفاده از این روش می‌توان علاوه بر تغییر الگوی نادرست مصرف برق برخی از مشترکین پرمصرف، نظام اقتصادی صنعت برق را به یک بنگاه اقتصادی سودده نزدیک نمود و یارانه مصرف برق را به صورت عادلانه بین مشترکین توزیع نمود.

به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه برق ضرورت دارد که وزارت نیرو اصلاح نظام اقتصادی با تمرکز روی شیوه‌های هوشمندانه قیمت‌گذاری برق را مورد استفاده قرار دهد تا علاوه بر تغییر الگوی مصرف برق، شاهد کاهش یارانه ناعادلانه پرداختی به این حوزه باشیم. (منبع، برق نیوز)

مؤلفه های اصلی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری :

دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب درباره‌ی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی شامل شش مؤلفه می‌باشد که به اجمال به این مؤلفه‌ها اشاره می‌شود:

۱. دولتی بودن اقتصاد یکی از اساسی ترین نقاط ضعف اقتصاد ایران است که زمینه‌ی تهدیدهای خارجی را نیز فراهم می‌آورد. در واقع ساختار اصلی اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی کشور را شرکت‌های بزرگ دولتی تشکیل می‌دهند. این شرکت‌ها، به علت پایین بودن بهره‌وری و نداشتن پویایی و قدرت تحول، توان انطباق کافی با تغییرات و تهدیدهای محیطی را ندارند. همچنین در چنین شرکت‌هایی، به علت ویژگی‌های خاص ساختاری، زمینه‌ی نوآوری و بهینه کردن محصولات پایین و زمینه‌ی شیوع فساد به عنوان تهدید داخلی اقتصاد بسیار بالاست. بنابراین تحریم مواد اولیه یا محصولات این شرکت‌ها، به عنوان تهدید خارجی، اسباب چالش در اقتصاد را فراهم می‌آورد. از این رو، یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مردمی کردن اقتصاد به شمار می‌رود که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته است.

2. وابستگی اقتصاد ایران و بودجه‌ی دولت به فروش مواد خام و با ارزش‌افزوده‌ی پایین که مصداق بارز این موضوع وابستگی اقتصاد به فروش نفت خام است. ریشه‌ی اصلی این معضل در ضعف دانش و تکنولوژی در این صنعت و شرکت‌های فعال در این حوزه است که متأسفانه این مسئله باعث شده است نقطه‌ی قوتی به نام وجود منابع زیرزمینی، به اهرمی برای تحریم و فشار بر اقتصاد ایران تبدیل شود. بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کاهش و قطع وابستگی به نفت است.

3. یکی دیگر از نقاط تهدیدزای اقتصاد ایران مدیریت مصرف است. این موضوع، از یک سو، مربوط به تعادل و عدم اسراف در مصرف و از سوی دیگر، مرتبط با اهمیت مصرف تولیدات داخلی از سوی مصرف‌کننده‌ی داخلی است. بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی موضوع مدیریت مصرف است.

4. بهره‌وری پایین عوامل تولید و استفاده‌ی نامناسب و ناکارا از منابع، امکانات و زمان از دیگر نقاط ضعف اقتصاد ایران است. بنابراین بالا بردن بهره‌وری نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود.

5. یکی از نقاط ضعف اقتصاد کشور پایین بودن میزان خلاقیت و نوآوری و ضعف فناوری بنگاه‌های اقتصادی است. در حقیقت این مسئله اقتصاد و صنعت کشور را مصرف‌کننده‌ی فناوری‌های خارجی نموده است و این خود زمینه‌ی آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را در برابر تحریم بیگانگان فراهم می‌نماید و سایر مؤلفه‌های اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

6. یکی دیگر از چالش‌های اقتصاد مقاومتی ضعف تولید ملی و عدم توان خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک مورد نیاز کشور است. بنابراین حمایت از تولید ملی نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود.

این شش مولفه در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با نقش و تاثیر ساخت داخل در صنعت نیروگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد، که برای هر یک از مولفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی خواهیم داشت :

نخست - مردمی کردن اقتصاد

با توجه به اینکه ساخت داخل نیروگاهی نیاز به توانمندسازی و بومی نمودن دانش و توانایی‌های تخصص داخلی کارکنان را دارد لذا در این مولفه اصلی، ساخت داخل می‌تواند منجر به

(۱) توسعه دانش‌های داخلی مربوط به ساخت داخل و کاهش نیاز به آموزش این دانش‌ها از خارج از کشور

(۲) امکان بهره‌گیری از این دانش برای افزایش صادرات خدمات فنی و مهندسی برای ساخت نیروگاهها و قطعات مورد نیاز برای سایر کشور

های منطقه

دوم- کاهش و قطع وابستگی به واردات قطعات مورد نیاز

(۱) با استفاده از رویکردهای موجود در ساخت داخل قطعات نیروگاهی ، واردات قطعات و وسایل مورد نیاز به شدت کاهش می یابد و امکان خروج ارز از کشور کاهش می یابد.

(۲) با روی آوری به فعالیت های ساخت داخل نیروگاهی امکان توانمندسازی متخصصان داخلی در جهت ساخت قطعات نیروگاهی و صادرات خدمات فنی و مهندسی به سایر کشورها فراهم می شود و لذا امکان ارز آوری برای کشور نیز فراهم می گردد.

سوم- مدیریت مصرف و استفاده مناسب از منابع موجود

(۱)ساخت داخل قطعات و وسایل نیروگاهی این امکان را فراهم می آورد که از منابع انسانی متخصص داخلی استفاده بهینه تر شود و کارایی و بهره وری این متخصصان بالاتر رود.

(۲) ساخت داخل قطعات و وسایل نیروگاهی این امکان را فراهم می آورد که امکان استفاده از دانش های پنهان متخصصان بالایی به عنوان اصلی ترین منابع سازمان بیشتر شود .

(۳) ساخت داخل قطعات و وسایل نیروگاهی این امکان را فراهم می آورد که از تخصصهای دیگر نیز در کشور استفاده شود که این خود منجر به افزایش اشتغال ، کاهش بیکاری و خروج از رکود اقتصادی می شود .

چهارم -بالا بردن بهره وری استفاده از سرمایه های داخلی

(۱) ساخت داخل قطعات نیروگاهی منجر می شود که از سرمایه های داخلی کشور منابع انسانی متخصص و تولیدات کارخانه های داخلی استفاده بهینه شود

(۲) فعالیت های بیمه ای و بانکی با توجه به ساخت داخل نیروگاهی، و نیاز سایر کشورها به توانمندی متخصصان داخلی ، توسعه بیشتر می یابد و شرایط خروج از رکود آن بیشتر فراهم می گردد.

پنجم -افزایش میزان خلاقیت و نوآوری

۱) ساخت داخل قطعات نیروگاهی منجر به افزایش خلاقیت و نوآوری متخصصان داخلی در ساخت قطعات می گردد و روح نوآوری و خلاقیت را در این صنایع حفظ نموده و حتی آن را ارتقاء می دهد .

۲) ساخت داخل قطعات نیروگاهی منجر به افزایش نیاز متخصصان داخلی به روز آموزی دانش و تخصص آنها می شود و نیاز به دانش آموزی افراد بیشتر می شود و کشور را به سمت سازمان دانش محور حرکت می کند .

ششم - حمایت از تولید ملی و سرمایه های داخلی

۱) ساخت داخل نیروگاهی و حمایت از آن سبب می شود که تعهد کاری متخصصان داخلی و روحیه نوآوری در آنها بهبود یابد .

۲) ساخت داخل نیروگاهی و حمایت از آن سبب می شود که منجر به حفظ سرمایه های ملی ، جلوگیری از خروج ارز گردد.

۳) ساخت داخل نیروگاهی و حمایت از آن سبب می شود که روحیه دانش آموزی متخصصان داخلی افزایش یابد و از خروج مغزها مانعت به عمل آید.

جهت بررسی میزان تاثیر ساخت داخل نیروگاهی در توسعه سیاستهای اقتصاد مقاومتی از تحلیلی آماری و با نظرخواهی از چند تن از کارشناسان پرداخته شده است که نتایج آن به صورت زیر می باشد.

ردیف	عنوان مولفه های اصلی اقتصادی مقاومتی	میزان معنادار بودن آزمون sig	مقدار بحرانی (sig) در سطح معناداری (%۹۵)	مقدار میانگین بدست آمده	حد پایین فاصله اطمینان %۹۵	حد بالای فاصله اطمینان %۹۵	وضعیت تایید H1
۱	مردمی کردن اقتصاد	.000	۰,۰۵	1.29412	.9782	1.6101	تایید
۲	کاهش و قطع وابستگی به واردات قطعات مورد نیاز	.000	۰,۰۵	1.38235	1.1392	1.6255	تایید
۳	مدیریت مصرف و استفاده مناسب از منابع موجود	.000	۰,۰۵	.97059	.5203	1.4209	تایید

تایید	1.7759	1.2829	1.52941	۰,۰۵	.000	بالا بردن بهره وری استفاده از سرمایه های داخلی	۴
تایید	1.5325	.7616	1.14706	۰,۰۵	.000	افزایش میزان خلاقیت و نوآوری	۵
تایید	1.5419	.7522	1.14706	۰,۰۵	.000	حمایت از تولید ملی و سرمایه های داخلی	۶

در سطح معناداری ۰,۰۵

با توجه به نتایج جدول فوق مشخص می گردد که ساخت داخل نیروگاهی تاثیر بسزایی در توسعه سیاست های اقتصاد مقاومتی در صنایع برق و نیروگاهی دارد.

نتیجه گیری :

نتایج این تحقیق نشان می دهد که ساخت داخل قطعات نیروگاهی اثرات بسیار زیاد در توسعه سیاست های اقتصاد مقاومتی و استفاده بهینه از سرمایه های منابع انسانی ، استعداد ها و تخصصهای جوانان این مرز بوم دارد و می تواند صنعت نیروگاهی را به عنوان یکی از صنایع پیشرو در خصوص اجرای سیاستهای اقتصاد مقاومتی ، مطابق با رهنمودهای مقام معظم رهبری قرار دهد.

منابع :

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۶ شهریور ۸۹

۲- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۳ مرداد ۹۱

۳- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۸ مرداد ۹۱

۴- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲ شهریور ۹۱

۵- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶ مرداد ۹۱

۶- روزنامه ملت، مقاومت اقتصادی از رهگذر اقتصاد مقاومتی، مورخه ۱۸ / ۶ / ۹۱

۷- حسین زاده، محمد، الزامات سال تولید ملی، سایت الف.

۸- سخنان حمیدرضا فولادگر، تبلور اقتصاد مقاومتی در دل تحقق اصل ۴۴ نهفته است، خبرگزاری خانه ملت، مورخه ۱۳ / ۵ / ۹۱

۹- سخنرانی حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، محورهای اساسی اقتصادمقاومتی، خبرگزاری فارس، مورخه ۹ / ۵ / ۹۱

۱۰- لواسانی، سیده زینب، اقتصاد مقاومتی در امتداد جهاد اقتصادی، اقتصاد تبیان، مورخه ۱۱ / ۶ / ۹۱

۱۱- نریمانی، میثم، ۵ اصل اقتصاد مقاومتی، پایگاه خبری و تحلیلی ندا آنلاین، مورخه ۶ / ۵ / ۹۱

۱۲- یارمحمدیان، ناصر، آیا تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تاثیرگذارند؟ روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۲۷۵۸، مورخه ۴ / ۷ / ۹۰

۱۳- تک تحریم و بانک اقتصاد مقاومتی، سایت آفتاب، مورخه ۲۷ / ۶ / ۹۱

۱۴- عزیزیان، رضا، تثبیت نرخ ارز از ملزومات اقتصاد مقاومتی، روزنامه فرهیختگان، مورخه ۶ / ۷ / ۹۱

۱۵- آهنی‌ها، اصغر، موانع اشتغال زائی در کشور قسمت چهارم، وب اصغر آهنی‌ها، مورخه ۳ / ۴ / ۹۱

۱۶- ابراهیمی، عباس، «اقتصاد مقاومتی» در سایه تورم زدایی و حفظ سرمایه ایرانی تحقق می‌یابد، پایگاه اطلاع‌رسانی اقتصاد مقاومتی، مورخه ۱۵ / ۷ / ۹۱

۱۷- منصوریان، بررسی و مطالعه اصلاح ساختار تشکیلات دولتی و موانع خصوصی سازی، سایت مازندران مورخه ۲۵ / ۷ / ۸۸

۱۸- خبرگذاری تقریب، نقش مدیریت مصرف در اقتصاد مقاومتی، مورخه ۲۲ / ۵ / ۹۱

۱۹- زیدی، باقر، نقش مردم در اقتصاد مقاومتی، روزنامه رسالت، مورخه ۲۲ / ۵ / ۹۱

۲۰- حجت‌الاسلام روح‌الله بیگی نایب رئیس اول کمیسیون اقتصادی مجلس، تمام ضعف‌ها را به حساب تحریم نگذاریم، سایت تابناک، مورخه ۵ / ۶ / ۹۱

- ۲۱- دکتر عسگری، علی، ۱۸ راهکار در اقتصاد مقاومتی، جام جم، مورخه ۳ / ۷ / ۹۱ /
- ۲۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۶/۶/۱۳۸۹
- ۲۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱
- ۲۴- بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ۱/۱/۱۳۹۲
- ۲۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲/۶/۱۳۹۱
- ۲۶- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱
- ۲۷- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲/۶/۱۳۹۱
- ۲۸- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۸/۵/۱۳۹۱
- ۲۹- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۳/۵/۱۳۹۱
- ۳۰- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۹/۵/۱۳۹۰
- ۳۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور،
- ۳۲- قربانی آذر، محمد، نقش بانکها در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، نخستین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، ۱۳۹۲، شیراز